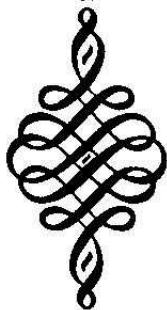


شرحی بر غزلیات خواجوی کرمانی

تالیف و گردآوری

دکتر محمد پوریانور

دکتر فاطمه علیان



شرحی بر غزلیات خواجوی کرمانی

سرشناسه	: پوریاور چوبر، محمد، ۱۳۴۹-
عنوان قراردادی	: دیوان برگزیده شرح Divan .Selection .Interpretation
عنوان و نام پدیدآور	: شرحی بر غزلیات خواجوی کرمانی/تالیف و گردآوری محمد پوریاور، فاطمه علیان.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات صالحیان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۱۴-۷۴۲-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. (۲۵۹) - ۲۶۱.
موضوع	: خواجوی کرمانی، محمودبن علی، ۶۸۹-۷۵۳ق. دیوان — نقد و تفسیر
موضوع	: Khajuyeh Kermani, Mahmud ebn Ali . Divan -- Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی — قرن ۸ق. — تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 14th century -- History and criticism
موضوع	: شعر فارسی — مجموعه‌ها
موضوع	: Persian poetry -- Collections
شناسه افزوده	: علیان، فاطمه، ۱۳۴۹-
شناسه افزوده	: خواجوی کرمانی، محمودبن علی، ۶۸۹-۷۵۳ق. دیوان. شرح
شناسه افزوده	: Khajuyeh Kermani, Mahmud ebn Ali . Divan .Commentaries
رده بندی کنگره	: PIR ۵۴۵۴
رده بندی دیویی	: ۸۵/۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۸۶۷۲۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

که نویسندگان: دکتر محمد پوریاور، دکتر فاطمه علیان

که صفحه آرا: معصومه اسفندیاری

که ناشر: صالحیان

که طراح جلد: صالحیان

که شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

که سال و نوبت چاپ: ۱۴۰۰ - اول



قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۱۴-۷۴۲-۶

ISBN: 978-622-214-742-6

دفتر انتشارات: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه ژاندارمری - پلاک ۱۳۲ - طبقه دوم

تلفن: ۰۹۱۹۰۸۱۰۱۴۲ - ۶۶۹۷۹۳۰۰

سایت انتشارات: www.pubsalehiyan.com



پیشگفتار..... ۱۱

مقدمه..... ۱۵

فصل اول

شرح احوال و آثار خواجهی کرمانی..... ۱۹

زندگی‌نامه خواجهی کرمانی..... ۲۱

سبک شعر خواجه..... ۲۷

فصل دوم

شرح لغات، تعبیرات و اصطلاحات عرفانی هفتاد غزل از خواجهی کرمانی (۱-۷۰)..... ۳۷

۱- سُبْحَانَ مَنْ تَقْدُسُ بِالْعِزِّ وَالْجَلَالِ..... ۳۹

۲- مگذرای یار و درین واقعه مگذار مرا..... ۴۴

۳- بگذرای خواجه و بگذار مرا مست اینجا..... ۴۸

۴- خرقه رهن خانه خمار دارد پیر ما..... ۵۰

۵- آنک بر هر طرفی منتظر اند او را..... ۵۴

۶- بگویند ای رفیقان ساربان را..... ۵۶

- ۷- چو در گره فکنی آن کمند پرچین را ۵۸
- ۸- ای بناوک زده چشم تو یک‌اندازان را ۶۶
- ۹- بده آن راح روان پرور ریحانی را ۶۹
- ۱۰- من مستم و دل خراب جان تشنه و ساغر آب ۷۲
- ۱۱- رفت دوشم نفسی دیده گریان در خواب ۷۶
- ۱۲- ای جان من بیاد لب تشنه بر شراب ۷۹
- ۱۳- ساقی سیمبر بیار شراب ۸۱
- ۱۴- ای لب میگون تو هم شکر و هم شراب ۸۵
- ۱۵- هر که در عهد ازل مست شد از جام شراب ۸۹
- ۱۶- ای دل نگفتمت که ز زلفش عنان بتاب ۹۱
- ۱۷- پیش صاحب نظران ملک سلیمان بادست ۹۴
- ۱۸- حسن تو نهایت جمالست ۹۹
- ۱۹- ترا با ما اگر صلح است جنگست ۱۰۲
- ۲۰- باغ و صحرا با سهی سروان نسرین برخوشست ۱۰۵
- ۲۱- خط که کتابت جمالست ۱۰۹
- ۲۲- شامش از صبح فروزنده در آویخته است ۱۱۱
- ۲۳- بشکست دل تنگ من خسته کزین دست ۱۱۲
- ۲۴- نظری کن اگر ت خاطر درویشانست ۱۱۴
- ۲۵- خطر بادیۀ عشق تو بیش از پیشست ۱۱۶
- ۲۶- رخ دل فروز تو ماهی خوشست ۱۱۸
- ۲۷- من بقول دشمنان هر گر نگیرم ترک دوست ۱۲۰
- ۲۸- نفسی همدم ما باش که عالم نفسیست ۱۲۳
- ۲۹- کاروان خیمه بصحرا زد و محمل بگذشت ۱۲۶
- ۳۰- چو سر چشمه چشم من دیده است ۱۲۹
- ۳۱- چو آن فتنه از خواب سر برگرفت ۱۳۲

- ۳۲- بسته بند تو از هر دو جهان آزادست ۱۳۷
- ۳۳- آن جوهر جانست که در گوهر کانست ۱۴۱
- ۳۴- جان (۱) هر زنده دلی زنده بجانی دگرست ۱۴۵
- ۳۵- این همه مستی ما مستی مستی دگرست ۱۴۸
- ۳۶- ای لب میگون و جانم می پرست ۱۵۱
- ۳۷- نشان بی نشانان بی نشانست ۱۵۴
- ۳۸- بجز از کمر ندیدم سر مویی از میانست ۱۵۷
- ۳۹- جانم از باده لعل تو خراب افتادست ۱۵۹
- ۴۰- کارم از دست دل فرو بست ۱۶۳
- ۴۱- رنج از کسی بریم که دردش دوی ماست ۱۶۵
- ۴۲- مانیم آن گدای که سلطان گدای ماست ۱۶۷
- ۴۳- گر حرص زیر دست و طمع زیر پای نست ۱۶۹
- ۴۴- مگذر زما که خاطر ما در فتنی بست ۱۷۲
- ۴۵- گر سر در آورد سرم آنجا که پای اوست ۱۷۵
- ۴۶- بس که مرغ سحری در غم گلزار بسوخت ۱۷۸
- ۴۷- ای لب باده فروش و دل من باده پرست ۱۸۴
- ۴۸- رمضان آمد و شد کار صراحی از دست ۱۸۷
- ۴۹- تا کی ندهی داد من ای داد ز دست ۱۸۹
- ۵۰- خنک آن باد که باشد گذرش بر کویت ۱۹۱
- ۵۱- بر سر کوی عشق بازار بست ۱۹۳
- ۵۲- گرت چو مورچه گرد شکر برآمده است ۱۹۶
- ۵۳- دیشب دلم ز ملک دو عالم خبر نداشت ۲۰۰
- ۵۴- مسیح روح را مریم حجابست ۲۰۴
- ۵۵- هیچ داری خبر ای یار که آن یار برقت ۲۰۸
- ۵۶- یاد باد آن روز کز لب بوی جان می آمدت ۲۱۱

پیشگفتار

«وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون»

سپاسگزار من باشید و به من کفر نورزید

ای درون پرور برون آرای	وی خرد بخش بی خرد بخشای
کفر و دین هر دو در رخت پویان	وَحَدَّةٌ لَا شَرِيكَ لَهُ گویان

سپاس و ستایش آفریدگاری را سزااست که جان پاک لطیفه صنع اوست. پروردگاری توانا که کالبد خاکی آدم را به دم الهی «نَفَخَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي» به پایگاه ارجمند «فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» بر همه آفریدگان برتری داد، و ابواب دانش و معرفت را به توانایی بیکران خویش به روی آدمی ناتوان به حکم آیه مبارکه «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» گشود، و به رتبت «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» سرافرازی بخشید و به عنایت ازلی «كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» مخصوص گردانید، و مقام «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» بدو تفویض فرمود، و در بوستان خاطر او بذر محبت افشاند، و نهال عشق پرورد، تا به سرافرازی شایسته تشریف «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» آمد.